

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرط درویشی فقط آدم بودن است، یک انسان باشد و با انسانیت ادامه بدهد و الاً لباس خز بپوشد یا لباس پشمی بپوشد یا پیشخدمت باشد، کارمند باشد یا وزیر باشد، فرق نمی‌کند. منتها بعضی‌ها، محققین به قول امروز یعنی اینهایی که ظاهر جامعه را می‌بینند و از لحاظ جامعه می‌خواهند تقسیم‌بندی کنند، می‌گویند که سلسله‌جنبان یا می‌گویند مکتب صحو و مکتب سُکر روی این دو تقسیم‌بندی می‌کنند. صحو یعنی بیداری، سُکر یعنی مستی. بعضی‌ها حالت سُکر داشتند مثل بایزید بسطامی و این حرف‌هایی را که می‌زند. بعضی‌ها حالت صحو داشتند بیداری، مثل جنید بغدادی که قطب بود کسانی که به قولی رهبری عمده‌ی همه را داشتند باید همه‌ی این حالات را می‌داشتند همه‌اش هم ارادی نیست آنچه که ارادی است پیر و مرشد دستور می‌داده که این کار را بکنید، آن کار را بکنید. اینها روش تربیتی مختلفی داشتند، اینها سلسله نبودند بعضی‌ها می‌گویند که از بایزید سلسله‌ای درست شده اینها را دیگر در سلسله نظم دادند، یکی از اختلافات این است و الاً بایزید برای ما درست است که استادی بود، استادی که خیلی چیزها باید از او یاد بگیریم ولی خودش شاگرد بود. مکتب، استادی بزرگ‌تر از بایزید داشت که حضرت جعفر صادق بود منتها بایزید برای ما هم استاد بود برای اینکه درجه‌ی معنوی که او داشت احساس می‌کنیم جلوتر از ما بود ما او را هم پیروی می‌کنیم این است که این اسامی مختلف و اینکه محققین به‌قول آنچه راجع به درویشی و عرفان به کتاب آمده در ضمن اینکه برای بعضی‌ها خیلی مفید است ولی این ضرر را هم دارد که یک اشتباهی از این قبیل هم می‌شود همه‌ی اینها را ما بایزید می‌گوییم سلسله‌ی سُکریه نه! سلسله نبوده روش زندگی خودش این بود. در تذکرة‌الاولیاء خیلی هست تذکرة‌الاولیاء را بخوانید به این نیت که آنچه راجع به شرح حال هر کدام نوشته حالت شخص اوست، تربیت شخص اوست، سلسله‌ای نیست. البته بعضی از آنهایی که اینطوری بودند اگر کسانی را پرورش می‌دادند طبق سبک خودشان پرورش می‌دادند آنوقت سلسله‌ی یک عده‌ای می‌شد، این است که بعضی‌ها هم این سؤال را می‌کنند که این سلسله‌های مختلف، اینها چیست؟ یک مقدارش این است اینها اصلاً سلسله نیست مثلاً مولوی، حالا می‌گویند: مولویه، سلسله‌ای از مولوی، ولی مولوی جانشین تعیین نکرد که سلسله از او جاری بشود. البته فرزند بزرگش خیلی دانشمند بود، عارف هم بود بعد از پدر در همان مسند پدر نشست و گفت من جانشین پدرم هستم، نه جانشین عرفانی یعنی جای پدرش، همه‌ی رشته‌ها همانی است که (همه‌ی سلسله‌ها) با اجازه‌ی قبلی حاصل شده اجازه‌ی قبلی بوده بعد باز اجازه‌ی بعدش هم اجازه‌ی قبلی را داشتند. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه ۱۳۹۱/۵/۷، جلسه خواهران ایمانی)

همانطوری که گفتم باید رعایت همه‌ی احکام شریعت را داشته باشیم البته این مقصود وسواس نیست. منظور این چیزهایی است که برای سلامت جامعه یا سلامت خود انسان لازم است.

گفتم راجع به بعضی قسمت‌های به اصطلاح تشرّف یا عرفان توضیح بیشتری آقایان مشایخ بدهند که دیگران دچار این اشتباه نشوند. چون یکی به من نامه نوشته، یک غیر درویش، به اصطلاح انتقاد، البته خیلی هم مؤذبانه نوشته منتها اسمش را ننوخته، اگر می‌نوشت خیلی خوب بود می‌آمد من هم می‌دیدم. نوشته که فلان کس گفته که درویش‌ها در موقع نماز یا هر موقعی **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** (سوره فاتحه، آیه ۵) را که می‌گویند باید صورت شما را در نظر بگیرند. این صورت من که یک صورت انسانی است، خیلی صورت‌های بهتر زیر خاک رفته، اجداد من، پدران من، اطرافیان من زیر خاک رفته‌اند این هم یک وقتی زیر خاک می‌رود. البته نه حالاها....

أَمَّا إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (خطاب به پیغمبر نازل شد که ما مسلمین بگوییم) یعنی خدایا، فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌طلبیم. از تو یاری می‌جوییم که چه؟ تو را می‌پرستیم برای چه؟ برای اینکه **أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** (سوره فاتحه، آیه ۶) فقط از تو یاری می‌جوییم که راه مستقیم را به ما نشان بدهی، با همین تفسیر همه جا من گفتم، همه جا هم شنیدید از قول درویش‌ها که هیچیک از غیر درویش‌ها چنین حرفی، چنین توجهی ندارند و خودم گفتم از مراحل سلوک که ما آیا دروغ گفتن در خارج...، حالا که روزه‌ایم روزه‌تان هم باطل می‌شود. این دروغ معمولی. حالا اگر به بنده‌ی خدا که دارد خدا را می‌پرستد دروغ بگویید، روزه‌ی شما باطل می‌شود که هیچی، هرکس نفس‌تان به آن برسد روزه‌اش باطل است. البته پس فردا نگوید که من فتوا دادم، نه. منظور من که گفتم در سیر و سلوک، همه از این چیزها دارند، من خودم را می‌گویم، چون گفتند صورت من را در نظر می‌گیرد، خواستم جواب او را بدهم. چون نباید در نماز دروغ گفت، ما چطور جرأت می‌کنیم وسط نماز دروغ بگوییم؟ و حال آنکه غیر از خدا همه چیزها را می‌پرستیم غیر از خدا، پول، مقام، رئیس اداره نمی‌دانم این، آن همه‌ی اینها را می‌پرستیم. آن هم دروغ به این بزرگی. در زندگی عادی هم، نه در نماز العیاذبالله. دیگر تهمتی از این بالاتر می‌شود؟ کسی که می‌گوید فقط خجالت می‌کشد بگوید **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** ولی چون خدا گفته است بگو، می‌گوید. می‌گوید: چرا دست یازم؟ چرا پای کوبم؟ مرا خواجه بی دست و پا می‌پسندد. نمی‌دانم بار این تهمت‌ها و افتراها را چطوری تحمل می‌کنند؟ حالا برای اینکه جلوی امکانات گناه هر بنده‌ی خدا را بگیریم، خدا خوشش می‌آید به ما هم ثواب می‌دهد. بخواهیم جلوی اینطور حرف‌ها را بگیریم، خودمان باید دقت کنیم. این است که به مشایخ دستور دادم گفتم آنها باید دقت کنند، چون درویش‌ها از مشایخ، از اینها دستورات الهی و عبادی را می‌گیرند. باید خوب توضیح بدهند. لااقل این توضیح را بدهند که یک جزوه‌ی کتاب کوچکی **رساله‌ی رفع شبهات** هست، مرحوم حضرت آقای رضاعلیشاه رحمته‌الله تدوین کردند، چون خیلی آقایان، از این چیزها می‌گفتند این آقایان هم حرف من را باور

ندارند، چون من عمّامه‌ای ندارم، حوزه هم درس نخواندم ولی آقای رضاعلیشاه هم معّم بودند هم درس‌های حوزه را خوب بلد بودند. من بلام منتها اینها ما را قبول ندارند. در یک جلسه‌ای بود آخوندی یک سوآلی کرد می‌خواست تحقیر کند گفت: شماها که ادعا دارید همه چیز را می‌دانید، بگویید فرق این چیز و این چیز چیست و حکم آن؟ یک حکم شرعی که حتماً خودش نفهمیده چون چیز مشکلی است. گفتم آقا اینجا که جلسه‌ی امتحان نیست شما هم ممتحن نیستید ولی برای اینکه بدانید همان درس‌هایی که خواندید من هم بلام، جوابش را به او دادم، ساکت شد. منظور، ایشان چون می‌دانستند، معّم هم بود، قبول‌شان داشتند مرقوم فرمودند و خیلی هم خوب است، ساده است بگیرید بخوانید رفع اینطور شبهات بشود. در همین موضوع مفصلاً بحث کردند و من هم چند بار بحث کردم گفتم این کاملاً به این طریق روشن است، تداعی معانی که می‌گویند یعنی همین. یک شیء، این قلم از کسی یادگار به شما می‌شود، نگه‌می‌دارید. این قلم قیمتش مثلاً پانزده تومان، بیست تومان است ولی اگر پانزده، بیست هزار تومان هم به شما بدهند، نمی‌دهید یا مثلاً این انگشتر، این برای چیست؟ خود این قیمت ندارد، برای اینکه این خودبه‌خود خاطره‌ی کس دیگر در ذهن من است.

این برای این است که شما آن ذکری که گرفتید، آن ذکر و فکر برای این است که خودتان محو در آن ذکر بشوید، وقتی آن را خواندید، خودبه‌خود یاد آن کسی می‌آید که این ذکر را به شما داده، همانطوری این قلم را که اصلاً خودبه‌خود یادتان می‌آید چه کسی این را به شما داده؟ محتاج به یادآوری نیست، محتاج به گفتن هم نیست، در فکرتان هست. این را آمدند تبدیل کردند که آن صورت خودبه‌خودی ایجاد می‌شود و هر چه خودبه‌خودی ایجاد بشود، خیلی خوب است اما کسی خودش بخواهد بکند کفر است، شرک است.

(برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح چهارشنبه ۱۳۹۱/۵/۱۱)

همانطور که یادبود برای مثلاً حضرت سلطان‌علیشاه، نورعلیشاه، صالح‌علیشاه، رضاعلیشاه، محبوب‌علیشاه، همه می‌گیریم یادبود برای آنچه حال از دست دادیم یا آنچه که حال خداوند از ما دریغ فرموده است، می‌گیریم. البته فرمودند شب جمعه، یادبود شب جمعه را می‌گیریم. ما البته در تغییر شبانه‌روز و ساعت نمازها و اینها که نمی‌توانیم دخالتی بکنیم، آنها را تسلیم هستیم ولی مشکلات دیگری که در این مدت برای ما پیدا شد، اینها را همیشه از خدا خواستیم که رفع این مشکلات بشود، خداوند هم ان‌شاءالله وعده داده است که این کار بشود. بنابراین آن شعری که صبح خواندم که جامی می‌گوید دیدند که خلاصه با نام معشوق بازی می‌کند، پرسیدند چیست؟ گفت که:

<p>بند ششم از بیانی‌های اول فروردین ۱۳۹۰ شمسی</p>	<p>چنانچه در فرمان بعضی از آقایان مشایخ کلمه‌ی «درویش» به لقب آنها ضمیمه شده است مربوط به حالات مخصوصی است و تنها با تشخیص قطب وقت است که این کلمه در فرمان، ضمیمه‌ی لقب شده است و این کلمه هیچ‌گونه امتیاز خاصی را برای دارنده‌ی آن نمی‌رساند همینطور تقدّم و تأخّر در صدور فرمان شیخی، ممتاز بودن او را نشان نمی‌دهد فقط طبق آنچه در رساله شریفه پندصالح فرموده‌اند و غالباً در فرمان‌ها هم اشاره شده است در تحیت و رعایت آداب ظاهری این تقدّم توسط خود مشایخ نسبت به یکدیگر و همچنین فقرا باید رعایت شود و نیز کمالات صوری و معنوی آقایان مشایخ فضل الهی است که از باطن قطب وقت به آنان افاضه می‌شود.</p>	<p>۱۲۱ یادآوری قسمتی از بیانی‌های حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجنوب‌علی‌شاه)</p>
---	---	--

چون میسر نیست بر من کام او عشقبازی می‌کنم با نام او همان خدایی که فرموده است که من شبانه‌روز جمعه را برای خودم مختص گردانیدم، همان خداوند هم فرموده است که جان بندگان من، مؤمنین، بر هر چیزی مقدم است. حتی تقیه که در شیعه است، در مورد جان، جان مؤمنی، تقیه نیست، نباید تقیه کرد ولی همان خداوند فرموده است وقتی نمی‌توانید اینطور باشد. همانطوری که جمعه دستور خداست، این هم دستور خداست تا این مشکلات حل نشده و حلش از من و شما و یک نفر دو نفر بر نمی‌آید، شاید مجازاتی است که خداوند کرده. بنابراین فعلاً آن مشکلات هست، عمده‌اش این است که در خیلی شهرستان‌ها هم ما این را داریم که مجلس خواهران از مجلس برادران جداست، دو جلسه می‌شود ولی در تهران در همه جاها وقتی امکان دارد، اینها باید یک جلسه باشد، یعنی همینطوری که در اینجا هست، اینجا حسینه هست، آن طرفش هم برای خانم‌ها است. برای اینکه روزنامه‌ها را می‌خوانید، اخبار را می‌شنوید و یک‌خرده نگران‌کننده هست. حتی بچه‌ی ما، در خانواده، بچه‌ی ده، دوازده ساله، سیزده چهارده ساله اگر مجبور باشد شب برود و بیاید، ما همیشه نگرانیم. این نگرانی که در برادران و خواهران ایجاد شده و ایجاد می‌شود، رفع این، خودش از واجبات است. کی می‌تواند رفع کند؟ اگر خداوند وحی کند پیغمبر می‌تواند، اگر وحی نباشد از راه دیگری، ارتباطی، آن اطاعتی که ما از حکم اولیه می‌کنیم، از حکم ثانویه هم می‌کنیم. ان شاء الله خداوند همه‌ی مشکلات همه‌ی ما را حل کند، به‌خصوص این مشکلات دسته‌جمعی را.

حالا البته من چون شب خیلی برایم مشکل بود، خسته می‌شدم روز و شب اما اینطوری هست، توانستم امروز بیایم و شاید ان شاء الله این سه جلسه‌ی دیگری که از جمعه هست، بتوانم خودم هم بیایم، ان شاء الله و اما به هر جهت ما از اول اذان مغرب، شب جمعه، خودمان با خودمان مجلس باید داشته باشیم. حالا که نگذاشتند، نمی‌گذارند امنیت جامعه و همه چیزها این را اقتضا می‌کند که مجلس شب نباشد ولی ما برای خودمان شب، مجلس داریم. هر کدام از ما با آن دستوراتی که داریم، با نامش عشقبازی می‌کنیم، جلسه‌ی شب جمعه، با خودمان است و این جلسه، یادبود شب جمعه است... ضمناً دعا که می‌کنید به خود من هم دعا کنید اولاً به درگاه خداوند اظهار رضایت کنید، بگویید خدایا ما از این راضی هستیم. بعد دعا کنید که این مشکلات را من نمی‌خواهم حل کنم. من کی‌ام که...؟ هر که مشکل را آفریده، خداوند خودش حل می‌کند ان شاء الله این را به دست من این کارها را بکند ان شاء الله. التماس دعا. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، شب

جمعه ۱۳۹۱/۵/۱۲)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تاننده (محبوب علیشاه) شامل جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه نذملح / شرح فریاشات حضرت تجاود (شرح رساله حقوق) / شرح فریاشات حضرت صادق (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الخیة) / جزوات موضوعی (استحاره، خانواده، حقوق مالی و غیره، رفع شبهات با کزیده‌هایی از بیانات) / تکلیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ بر نامه‌ها) / مجموعه دستورات العمل و بیانیه‌ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / گفت و گوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.